

## پروین

یکی بود...یکی دیگر هم بود.

یک بار جایی خواندم که روابط میان اجزاء جهان، به گونه‌ای است که جنبیدن یک ماهی در شرق کره خاکی، بر خزنده‌ای در غرب عالم تأثیر دارد!

اگر چه این جمله بیشتر حالت و روابط اجزاء را مشخص می‌کند ولی یک نکته را با کلمات غلوآمیز (و واقعی) به ما گوشزد می‌کند: زندگی تمام آدم‌ها بر روابط بین آنها و تأثیرات این روابط بر خود و دیگران مبتنی است. هر کس با اعمال و رفتار خود بر دیگران مؤثر است و مجموعه این اثرات، زندگی را تشکیل می‌دهد. گاهی دو نفر در دو مسیر جداگانه به روزمرگی‌های خود مشغول‌اند و بی‌خبر از یکدیگر، اما پس از سالها چنان گذشته و آینده‌شان به هم مرتبط می‌شود و گره می‌خورد که برای خودشان هم تعجب برانگیز است.

این چند خط را با دلیل و به منظور پیش درآمدی بر داستان حاضر نوشتم. کتاب «پروین» هم مانند بسیاری از قصه‌ها، روایت‌گر دو مسیر متفاوت از زندگی دو نفر است که هر کدام مثل تمامی ما، سختی‌ها و خوشی‌های خود را دارند، اما گذر زمان این دو سرنوشت را به هم نزدیک می‌سازد. درست مانند همان مثال دو خط موازی در خطوط آهن قطار. در واقع هیچ‌گاه به هم نمی‌رسند ولی چشمان ما - که شاید تمثیلی از حقیقت بینی در دنیاست - آنچه را در دنیای امروز وجود ندارد به چشم فردا می‌بیند.

روایت داستان ساده است و برای خواننده جذب کننده، و با همان «یکی بود، یکی نبود» همیشگی آغاز می‌شود. شاید هم این از آن دسته سادگی‌هایی است که مسیر داستان را در سهل‌ترین کلمات به پیش می‌برد و مخاطب را به دنبال خویش می‌کشاند. مثل زندگی بسیاری از ما که در هر سطح و طبقه اجتماعی، پستی و بلندی خاص خود را دارد و مجموعه تمامی آنها، سالهای عمر ما را تشکیل می‌دهد. تنها تفاوت در این «یکی بودن»ها آن است که «یکی نبود» ندارد. این داستان یکی دیگر هم دارد، به موازات همان اولی!

اکنون «پروین» را برای قضاوت شما گذاشته‌ایم تا ببینیم همان مهر تائید همیشگی را برای مجموعه انتشارات خواهید زد؟

امیدواریم که چنین باشد.

بهمن رحیمی

آبان ماه ۱۳۸۸ - تهران